



کاهش ۸ درصدی ازدواج

دبیر ستاد ملی جمعیت از کاهش هشت درصدی ازدواج در شش ماه اول سال جاری نسبت به سال گذشته خبر داد. به گزارش ایسنا، مرضیه وحیددستجردی، درباره سیر نزولی آمار ازدواج در کشور گفت: «در سال ۱۴۰۳ نسبت به ۱۴۰۲، حدود سهدرصد یا کاهش ازدواج مواجه بودیم و در شش ماه اول ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳، حدود هشت درصد کاهش ازدواج وجود داشته است؛ به همین دلیل مسئله فرزندآوری ناشی از روند کاهش ازدواج است.» به گفته او براساس آمارهای سازمان ثبت احوال، متوسط فاصله بین ازدواج و اولین فرزندآوری در کشور ۴/۵ سال است: «به عبارتی اگر زنی در سن ۳۰ سالگی ازدواج کند، فرزند اول او در سن ۳۴/۵ سالگی به دنیا می آید.»



۱۸ هزار آتش سوزی در سال

معاون آموزش و مشارکت های مردمی سازمان محیط زیست، ضمن اعلام ثبت سالانه ۱۸ هزار آتش سوزی در کشور، از تغییر الگوی وقوع آن ها خبر داد. هادی کیادلیری به ایلنا توضیح داد که الگوی وقوع آتش سوزی ها در کشور تغییر پیدا کرده و پیچیده تر شده است: «مجموعه ای از عوامل در بروز و تشدید آتش سوزی های جنگلی نقش دارند که آن ها را به دو دسته عوامل مستعدکننده و عوامل شروع کننده تقسیم می کنیم. در برنامه ریزی های بلندمدت، تمرکز ما کنترل عوامل مستعدکننده است و برای عوامل شروع کننده، نیازمند برنامه های کوتاه مدت و واکنش سریع هستیم.» یکی از مهم ترین عوامل شروع کننده آتش سوزی ها، دخالت های انسانی بوده؛ در کنار تغییرات اقلیمی که شدت، گستره و سرعت وقوع آتش ها را افزایش داده است: «امروز آتش سوزی ها فصلی نیستند و الگوی وقوع آن ها تغییر کرده است.»

ادامه سر مقاله

کافی است به کتاب کشف الاسرار امام خمینی مراجعه کنیم که ۳۵ سال پیش از انقلاب نوشته شده است و آن با فتاوی ایشان در انقلاب و تاسیس جمهوری اسلامی ایران و نیز فتاوی سال های ۶۶ و ۶۵ مقایسه کنیم. بنابراین، مبنای قانون اساسی ارجاع به خواست مردم است؛ مردمی که متحول هستند، همچنان که در گذشته بوده اند و این تحول نیز خواست خداست. از این منظر، سخنان اخیر آقای آژای ریاست قوه قضائیه که گفته اند: «کسانی که سینه چاک حضرت امام خمینی (ره) در زمان انقلاب بودند امروز به صراحت می گویند، چیزی که شهید مدرس و امام ارحل نسبت به مسئله دین و سیاست گفته اند اشتباه بوده و من حرفی که قبلاً زده ام اشتباه بوده است.» یا «بعضی چیزی که در قانون اساسی به آن رای داده اند قبول ندارند» را باید با دقت تجزیه و سپس تحلیل کرد. آیا آنچه که در قانون اساسی آمده، همان است که اجرا شده؟ در این صورت، چرا باید ایده هایی که نتیجه آن اکنون مشهود و روی میز مردم است را درست دانست؟ ولی اگر آنچه اجرا شده ربطی به قانون اساسی ندارد؛ در این صورت، می توان از آن دفاع کرد مشروط بر اینکه مدعیان نیز همین نتیجه را بپذیرند. این دعوایی بود که پس از اتحاد جماهیر شوروی نیز به وجود آمد. برخی معتقد بودند که آنچه در آنجا رخ داد، همان مارکسیسم مورد نظر بود. عده ای هم معتقد بودند که اتحاد جماهیر شوروی انحرافی از اصول مارکسیسم بود. برخی هم معتقد شدند تفکیک میان این دو ساده نیست و هر دو نتیجه راپدیرفتند. پیشنهاد می کنیم نشست حقوقی محض و فراسیاسی از کارشناسان تشکیل شود و نظرشان را درباره این سه حالت نسبت به وضعیت ایران و قانون اساسی آن اظهار کنند. نمی شود که در مقدمات به یک حالت معتقد باشیم؛ ولی نتیجه حالت دیگر را بگیریم. در هر حال و به عنوان جمع بندی باید گفت که پیش از هر چیز قانون اساسی باید حاکم باشد. سپس تا حد ممکن مطابق با مقتضیات زمان و خواست مردم تفسیر شود؛ همچنان که در اصل ۴۴ کردند. بالاخره اگر جایی برای تفسیر مطابق خواست مردم ناماند، آن را باید اصلاح کرد. در ایران هر سه ضرورت در مسیر عکس حرکت کرده اند.

جامعه

COMMUNITY

۱۲



بررسی ابعاد

جامعه شناختی

روانشناختی و رسانه ای

واکنش جامعه به ماجرای

اینترنت بدون فیلتر بعضی از اشخاص

خشم شدید از خط سفید

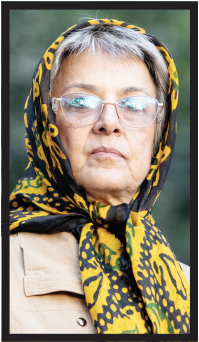
نسیم سلطان بیگی

خبرنگار گروه جامعه

هفته گذشته شبکه ایکس امکانی جدید در اختیار کاربران قرار داد؛ دیدن موقعیت مکانی. امکانی که به دلیل فیلترینگ در ایران بدل به هشتگی جدید شد با نام «اینترنت سفید» و مشخص شد علاوه بر تعداد زیادی از فعالان سیاسی، نمایندگان مجلس و موافقان فیلترینگ، بر تن سیم کارت های بعضی از خبرنگاران و فعالان جامعه مدنی هم رخت سفید پوشانده شده است. همین موضوع بود که انتشار اسکرین شات از قسمت اطلاعات اکانت ها را به همراه موجی از خشم و نفرت به راه انداخت که ترکش هایش به تن روزنامه نگاران مستقل هم رسید. حالا تعدادی از جامعه شناسان بر این باورند که آنچه این موج خشم را ایجاد کرده، ساختار تبعیض و نابرابری است که بر پایه های شفافیت، پاسخگویی و عدالت دسترسی بنا نشده است و در نتیجه تقسیم بندی جامعه به «خودی» و «غیر خودی» را شکل داده است. بعضی روانپزشکان هم ریشه های این خشم عمومی را درک می کنند اما آن را قابل نقد می دانند و بر این باورند که جامعه محصور در نظام تبعیض سیستماتیک، با روایت سازی و واکنش نشان دادن به افراد به جای ساختار تبعیض آمیز، سرمایه های اجتماعی را از بین می برد. آنها ریشه این شکل از واکنش را نوعی «احساس گناه پنهان» می دانند که به این شکل فراکنی می شود؛ احساس گناه افرادی که از ایران رفته اند و حالا سرمایه های اجتماعی داخل کشور را آماج انتقاد کرده اند. کارشناسان ارتباطات هم بر این باورند که مطالبه روزنامه نگاران باید دسترسی همه به اینترنت آزاد باشد و اگر به هر دلیلی قطع می شود، باید برای همه قطع باشد. آنها روزنامه نگاران را به شفافیت و مطالبه گری برای دسترسی همگانی به اینترنت آزاد دعوت می کنند و می گویند ممکن است پاسخ آنها همچنان هم برای بخشی از جامعه متقاعدکننده نباشد اما آنها باید به رسالتی که ایجاد شفافیت است عمل کنند.

اختلال در نظم اعتماد و عدالت ارتباطی

در جریان جنگ ویتنام رسانه های آمریکایی، حکومت آمریکا را با نشان دادن فجایعی که در ویتنام رخ می داد زیر فشار قرار دادند. هنوز هم در لایه لای اخبار می توان ردپای تصاویر و ویدئوهایی که توسط خبرنگاران در آن روزها ثبت



شیرین انجمن

رئیس انجمن

جامعه شناسی ایران:

راه حل پایدار برای

چنین مشکلاتی را باید

در اصلاح ساختار و

برقراری قواعد یکسان

برای همگان جست.

در نهایت حواس مان

باشد در شرایطی که

هر چه بیشتر نیاز

به حفظ جبهه

واحد داریم، نتیجه

خودزنی ها چه کسانی

را خوشحال می کند

شده را دید. آنها خبر از نسل کشی با بمب های خوشه ای دادند که توسط آمریکا بر سر مردم ویتنام بارید. پس از این تجربه بود که آمریکا، در سال ۲۰۰۱ و در زمان حمله به افغانستان، حضور خبرنگاران به جز خبرنگاران سی ان ان را در جنگ ممنوع کرد؛ تصمیمی که واکنش های زیادی در پی داشت و منجر به این شد که دو سال بعد در سال ۲۰۰۳ و در زمان جنگ با عراق، وزارت دفاع آمریکا موضوعی را به میان روزنامه نگاران برد برد بنام «روزنامه نگاری همراه». وزارت دفاع آمریکا در آن زمان اعلام کرد عراق سلاح های کشتار جمعی دارد و مقابله با این سلاح ها نیازمند آموزش ویژه است و با همین استدلال از خبرنگاران دعوت کرد در دوره آموزش مقابله با سلاح های کشتار جمعی شرکت کنند. در این دوره، خبرنگاران شش ماه در پایگاه های آمریکایی زندگی می کردند و روزمره خود را با نظامیان آمریکایی می گذراندند؛ تصور عمومی این بود که ارتش آمریکا راهی برای حفاظت از جانشان را به آنها نشان می دهند. هیچ کس به آنها درباره اینکه چه بنویسند یا ننویسند نگفته بود. اما همین موضوع به بحثی جدی میان روزنامه نگاران بدل شد و عده ای استدلال می کردند که این دوره ممکن است به دلیل حفاظت از جان خبرنگاران برگزار شده باشد اما دلیل مهم تری هم دارد. آنها می گفتند همین افراد هستند که به جبهه می روند و همراه همان کسانی هستند که با آنها زندگی کردند. در نتیجه این همزیستی می تواند به شکل غیرمستقیم روی اخبار آنها اثرگذار باشد. این وضعیت را می توان به آنچه این روزها با اینترنت سفید بر سر روزنامه نگاران باریده مقایسه کرد و در شکلی کلی تر به این مسئله پرداخت که نسبت روزنامه نگاران با امکاناتی که در اختیارشان قرار می دهند چگونه باید تنظیم شود.

شیرین احمدیان، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران موضوع دسترسی بعضی خبرنگاران و فعالان مدنی به اینترنت بدون فیلتر را بیش از آنکه مسئله ای فردی بداند، نشانه ای از اختلال در نظم اعتماد و عدالت ارتباطی در جامعه می داند. او به «هم مین» می گوید واکنش عمومی گسترده و شدید نسبت به این موضوع از همین جا تغذیه شده است: «از احساس اینکه بخشی از فرآیندهای حساس و مرتبط با حقوق شهروندی، در فضایی غیرشفاف و نابرابر رقم خورده است.» به گفته او هر نوع دسترسی ویژه در حوزه ای به این میزان عمومی و حیاتی، وقتی در سکوت و بدون معیارهای شفاف رخ دهد، ناگزیر به شکل رانت دیده می شود: «حتی

اگر نیت اولیه، به تعبیر برخی، حمایت از کار رسانه ای بوده باشد.» احمدنیا بر این باور است در جامعه ای که سرمایه اجتماعی شکننده است، کوچک ترین نشانه های تبعیض می تواند باعث واکنش های گسترده و احساسی شود؛ نه از سر دشمنی با افراد، بلکه از سر نگرانی نسبت به بی عدالتی ساختاری: «از منظر اخلاق حرفه ای هم، هر کنشگری که در میدان رسانه یا جامعه مدنی فعالیت می کند، ناچار است نسبت به بازتاب اجتماعی تصمیمات خود حساس باشد. این حساسیت بخشی از هویت حرفه ای ماست. اگر قرار باشد دسترسی تسهیل شده ای وجود داشته باشد، منطقی است که با معیارهای روشن و قابل دفاع برای تمام افراد در شرایط مشابه فراهم شود؛ نه اینکه در قالب امتیازهای فردی یا گزینشی ظاهر شود.»

رئیس انجمن جامعه شناسی ایران پرهیز از شخصی سازی و تقلیل مسئله به افراد را لازم می داند: «مشکل اصلی در نحوه طراحی و مدیریت چنین سیاست هایی است، نه الزاماً در کسانی که از آن بهره مند شده اند، مگر اینکه با قصد استفاده شخصی یا آگاهانه بوده باشد که آن خود موضوع دیگری است.» احمدنیا در توضیح بیشتر این موضوع می گوید: «نظام ارتباطی و سیاست گذاری اینترنت زمانی می تواند اعتماد تولید کند که بر پایه های شفافیت، پاسخگویی و عدالت دسترسی بنا شود.» او راه حل پایدار برای چنین مشکلاتی را نه در سرزنش افراد که در اصلاح ساختار و برقراری قواعد یکسان برای همه می داند: «هر چند همین لحظات است که خیلی از ما درس هایی که باید را می گیریم و در مسیر مسئولیت پذیری بیشتر در قبال جامعه ای که به آن تعهد داریم قرار می گیریم اما راه حل پایدار برای چنین مشکلاتی را باید در اصلاح ساختار و برقراری قواعد یکسان برای همگان جست. در نهایت حواس مان باشد در شرایطی که هر چه بیشتر نیاز به حفظ جبهه واحد داریم، نتیجه خودزنی ها چه کسانی را خوشحال می کند.»

روایت سازی برای از بین بردن سرمایه اجتماعی

«نمی توان پدیده های اجتماعی را به شکل دستوری به راه انداخت و متوقف کرد.» این جمله را امیر حسین جلالی، روانپزشک و عضو هیئت علمی انجمن روانپزشکان به «هم مین» می گوید. او خشم اجتماعی که به روزنامه نگاران معطوف شده را قابل درک می داند: «زمانی که چنین اتفاقی افتاده می توان درک کرد که چرا این خشم و واکنش بی پروا و بی رحمانه نسبت به کسانی رخ می دهد که به تبعیض تن دادند و به نوعی با دستگاه تبعیض و دسته بندی کردن شهروندان همکاری کردند. اما زمانی که این مسئله را درک می کنیم به این معنا نیست که غیرقابل نقد است.» برای او قابل باور نیست که گردانندگان شبکه ایکس باوری به نظام بدون تبعیض و گردش آزاد اطلاعات داشته باشند: «نظام سرمایه داری و نظامی که پشت این سیستم هاست به دنبال دستکاری و شکل دادن به افکار عمومی است و این تجربه در شبکه های اجتماعی امری قابل اثبات است که مورد توجه دستگاه های قضایی و امنیتی در ایالات متحده آمریکا هم قرار گرفته است.» با این حال او بررسی واکنش ها به اینترنت سفید را از این موضوع جدا می کند می کند و می گوید: «اتفاقی که می افتد این است که علاوه بر اینکه انگیزه روزنامه نگاران و کنشگران مدنی کاهش پیدا می کند، ما شاهد از بین رفتن یک سرمایه اجتماعی داخلی هستیم.» به گفته او نوع روایت سازی فضای رسانه ای ضد سرمایه اجتماعی روزنامه نگار و کنشگر مدنی است: «من به عنوان یک کنشگر و کسی که به پدیده ها نگاهی نقادانه دارم، می بینم که ما در حال از دست دادن سرمایه های اجتماعی به اسم روزنامه نگار، اهالی رسانه، فعال سیاسی، کنشگر اجتماعی و حتی کنشگران اقتصادی هستیم. این مسئله مرا به فکر فرو می برد. تعدادی روزنامه نگار یا کنشگر سیاسی از چنین امکانی استفاده کردند اما پیوند زدن آن به سرسپردگی به سیستم سلطه و همکاری و هم دستی با سیستم تبعیض، برای آینده جامعه ایرانی زبان بار خواهد بود.»

عضو هیئت علمی انجمن روانپزشکان علت این زانبار بسودن را از بین رفتن سرمایه اجتماعی می داند که نیروی داخلی است: «منتقدان، کسانی که زندان رفتند، در کنار برخورد اران رسمی از سیستم تبعیض قرار داده شدند و بین اینها تفاوتی قائل نمی شوند. نتیجه این وضعیت، ایجاد مشروعیت برای کسانی است که در یک فضای نابرابر نیاز به چنین امکانی ندارند.» در فضای کنونی با نوعی از روایت سازی مواجه ایم که گویی توطئه ای پشت پرده در جریان بوده و افراد در حال تنازل اخلاقی بودند: «با شکلی از روایت سازی مواجه شدیم که در ضدیت با سرمایه اجتماعی داخلی در نهایت سودی برای جامعه مدنی ایران ندارد و جامعه ایرانی را فاقد هر نوع ظرفیتی برای تغییر و تحول می کند. نتیجه این روایت سازی این است که کسی از بیرون باید بیاید و ما را نجات دهد.»

جلالی جامعه را محصور و محصور در یک نظام تبعیض سیستماتیک می بیند که در آن همه افراد از سیستم تبعیض بهره مند می شوند و چوب آن را هم می خورند: «به باور من خیلی از کسانی که از اینترنت سفید استفاده کردند نه تنها آگاه نبودند که تصویرشان این نبود که امر غلطی است. درست است که این دسترسی غلط است و مطلوب نیست اما کدام ساخت زندگی فردی، اجتماعی و روزمره ما درست است. راه اصلی این نیست که ما خشم مان را جابه جا کنیم.»